

## سیمای زنان صحابه در اسد الغابه فی معرفه الصحابه

سیده لیلا تقوی سنگدهی<sup>۱</sup>

سمیه بیگدلی<sup>۲</sup>

### چکیده

مورخان تعاریف متفاوتی از کلمه صحابه داشته‌اند. به طور کلی؛ هرکسی که حیات پیامبر (ص) را درک کرده و مسلمان شده است، در شمار صحابه ایشان است. مورخ و محدث مشهور قرن هفتم هجری ابن اثیر (۶۳۰-۵۵۵ ه. ق) یکی از برجسته کسانی است که در کتاب «أسد الغابه فی معرفه الصحابه» به معرفی و شرح حال زنان صحابه به ترتیب حروف الفبا می‌پردازد. این کتاب ارزشمند جزء منابع صحابه نگاری است. ابن اثیر با توجه به تعریف خاصی که از کلمه صحابه دارد؛ همه زنان مشهور عصر نبوی را که در منابع پیش از خود دیده، ذکر می‌کند و با روش ترکیبی اطلاعات تاریخی- اجتماعی و سیاسی از زندگی آنان ارائه می‌دهد. ذکر نام زنان صحابه که با القاب و کنیه مشهور بودند و نیز زنانی که نامشان مجهول است را در فصلی جداگانه شرح می‌دهد. نمودهای نقش سیاسی زنان صحابه در مهاجرت به حبشه و مدینه، حضور نظامی و شرکت در جنگ‌ها، بیعت رضوان، بیعت دوم عقبه و... می‌باشد و نیز حضور اجتماعی آنان را می‌توان در حضور در نمازهای جماعت و عیدین، انجام فریضه حج و روایت حدیث از پیامبر (ص) و مشاغل مختلف مشاهده نمود. ابن اثیر تقریباً یک هفتم از صحابه‌ای را که مورد واکاوی قرار داده است؛ زن هستند و این مسئله نشان از توجه او به زندگی این قشر دارد. اینکه نگاه ابن اثیر در کتاب «اسد الغابه فی معرفه الصحابه» به حضور و فعالیت سیاسی- اجتماعی زنان عصر نبوی چگونه بوده است؟ و این بانوان چه نقشی در تحولات دوره نخستین اسلامی داشته اند؛ سوالاتی است که جستار حاضر با روش توصیفی تحلیلی سعی در پاسخگویی به آن‌ها دارد.

**واژه‌های کلیدی:** ابن اثیر، اسد الغابه، زنان صحابه، صحابه نگاری.

۱. استادیار گروه تاریخ تمدن و ملل اسلامی دانشگاه زنجان sangdehi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ فرهنگ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان somaiye.bigdeli@znu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۳/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۱۷



## مقدمه

درباره نقش، مسئولیت و وضعیت زن در اجتماع بشری سخن‌های بسیاری گفته شده و تألیفات متعددی صورت گرفته است. شاید بتوان گفت عموماً نگاه تبعیض آمیزی به قشر زنان وجود داشته است. اساساً زنان در تاریخ، عنصر اصلی حوادث به شمار نمی‌روند؛ چنانچه، در نظر برخی فیلسوفان غربی نظیر نیچه و هایدگر؛ مردان بزرگ سازنده تاریخ هستند. (تاجبخش، ۱۳۷۶: ۳۵) در جامعه جزیره‌العرب قبل از ظهور دین اسلام نیز این نوع نگاه مشهود است. به علت اتصال حوادث و دوره‌های تاریخی به هم، روشن شدن و تبیین اوضاع اجتماعی زنان در عصر نبوی مبین شناخت وضعیت اجتماعی زن در دوره قبل از آن یعنی عصر جاهلی است. در عصر جاهلی، زنان حقوقی برابر با مردان نداشتند. وفور آیات قرآنی و سیره نبوی در اکرام مقام زن نیز می‌تواند مبین این موضوع باشد که دوره قبل از عصر نبوی دوره تاریک برای زنان بوده است:

- «و هنگامی که به یکی از آن‌ها بشارت دهند دختر نصیب تو شده، صورتش از ناراحتی سیاه می‌شود و به شدت خشمگین می‌گردد به خاطر بشارت بدی که به او داده شده، از قوم و قبیله خود متواری می‌گردد و نمی‌داند آیا او را با قبول ننگ نگه دارد یا در خاک پنهانش کند؟ آگاه باشید که بد حکم می‌کنند». (نحل/ ۵۹-۵۸)

- «و هنگامی که از دختران زنده به گور شده سوال شود به کدامین گناه کشته شدند؟» (تکویر/ ۹-۸)

هرچند وجود برخی اختیارات برای زنان در زمان جاهلیت در منابع ذکر شده است چنانچه افتخار به نسب مادری به اندازه نسب پدری اهمیت داشته و نیز زنان در کارهای بزرگ نظیر جنگ مورد مشورت قرار می‌گرفتند و حتی امان دادن زنان به

دشمنان، مورد قبول بوده است. (ابراهیم حسن، ۱۳۸۰: ۳۵) اما در کل نمی‌توان از این دوره به عنوان دوره‌ای که زن از آزادی عمل و اراده برخوردار بود نام برد. تغییر دیدگاه نسبت به شخصیت زن و پذیرش او به عنوان عضو مهمی از جامعه یکی از چندین تحولی بود که با ظهور دین اسلام در منطقه جزیره العرب به وقوع پیوست. متأسفانه منابع تاریخی که حداقل دو قرن بعد از بعثت پیامبر (ص) نگارش یافتند در شناسایی زنان و نقش اجتماعی آنان در عصر نبوی چندان موفق نبودند؛ به علت اینکه گویی بسیاری از سنت‌های جاهلی و سختگیری‌ها و نگاه مجدد تبعیض‌آمیز به زن بنا به دلایل بسیاری رواج یافت که یکی از آن دلایل وجود حکومت‌هایی در جوامع اسلامی بود؛ که اولین عامل بازتولید نگاه جاهلی به زنان را داشتند. (جعفرنیا، آئینه وند و هوشنگی، ۱۳۸۹: ۶۶) رابطه معناداری که بین عمل به سیره در میان حاکمان و زمامداران جهان اسلام و حضور اجتماعی زن در عصرهای مختلف به چشم می‌خورد از این حقیقت پرده برمی‌دارد که حذف زن از صحنه‌های اجتماعی در برخی از زمان‌ها، حاصل برداشت‌ها و تفسیرهای غیر مرتبط با سیره نبوی است و باید از نسبت و ارتباط دادن آن به اسلام اجتناب و برای ریشه‌های آن به دنبال دیدگاه‌های حاکمان عوامل تاریخی دیگر گشت. (آئینه‌وند، ۱۳۸۴: ۵) هرچند وجود اندیشه‌های سختگیرانه در برخورد با زن و تعاملات اجتماعی او حتی از همان زمان صدر اسلام از مردمان آن زمان نیز گزارش شده است. (واعظی، جباری، ۱۳۸۹: ۱۴۵) اما رویکرد دین اسلام و سیره نبوی دارای بعد عدالت محور و ارزش‌گذار نسبت به زن بوده است. یکی از منابع مهم تاریخی که در باره زنان عصر نبوی (زنان صحابه) سخن گفته است؛ کتاب *أسد الغابه فی معرفه الصحابه ابن اثیر* است.





## زنان در صدر اسلام

برای شناخت بهتر و تحلیل دوره تاریخی خاص، ناگزیر از مطالعه و تحقیق در دوره قبل خواهیم بود. چنانچه پیوند زمانی دوره جاهلیت با عصر مبعث پیامبر (ص) بر بسیاری از تحولات دوره صدر اسلام تأثیر گذار بوده است. اخبار عصر جاهلی، بیشتر در قالب اشعار و برخی از گزارش‌های پراکنده و ضمن آیاتی از قرآن کریم به ما رسیده است. گروهی از صاحب نظران نظیر سعد زغلول عبدالحمید، احمد امین سلیم، هادی علوی و صالح احمد علی در تاریخ جاهلیت درباره اوضاع زن معتقدند که زن در عصر جاهلی، جایگاه ممتازی داشت، با آزادی و شرافت زندگی می‌کرد و با استقلال رای و اراده نقش فعال و تأثیرگذاری در خانواده و جامعه ایفا می‌کرد و بر خلاف آنچه پنداشته می‌شود اوضاع او روشن و مناسب بود. بازگشت نسب برخی از قبائل عرب به زنان، شهرت بسیاری از بزرگان و مشاهیر عرب با نام مادر نشان، مشاوره با زنان در امور جنگی و پذیرش امان دادن زنان به جنگ‌جویان دشمن از دلایل عمده این رویکرد است. (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۷) گروه دیگر که شمارشان بیشتر است، با استفاده از اخبار تاریخی متعدد، گزارش تاریک و اسفباری از اوضاع زن و خانواده در عصر جاهلی ارائه می‌دهند؛ از جمله عادات زشت عرب به روزگار جاهلیت این بود که وقتی مردی به مرد دیگری بر می‌خورد که از قبیله او نبود و میان آنها پیمانی وجود نداشت، اگر آن مرد زنی به همراه داشت بر سر آن جنگ و نزاع رخ می‌داد و اگر کسی که زن همراه داشت مغلوب می‌شد؛ زنش به اسیری می‌رفت و آنکه غالب شده بود، زن اسیر را برای خود حلال می‌دانست و او را بدون هیچ قید و شرطی تصرف می‌کرد. (ابراهیم حسن، ۱۳۸۰: ۳۶)

زنان در عصر جاهلیت جزء اموال و دارایی مردان به شمار می‌رفتند، و حتی پس از مرگ مرد جزء میراث او به حساب می‌آمدند. (مطهری، ۱۳۶۹: ۲۲۱) زن هیچ گونه

ارثی نداشت. دلیلش این بود که می‌گفتند: زن قدرت جنگی و دفاعی ندارد و کسی که نمی‌تواند از اموال دفاع کند و از خود او هم باید دفاع کرد پس حق ارث بردن ندارد؛ در مجموع کراهت از دختران و زنده به گورکردن آن‌ها توسط برخی قبایل، انواع ازدواج‌های ظالمانه، عدم حق انتخاب در ازدواج، محرومیت از ارث و به ارث رفتن زن مانند دیگر کالاها، نمونه‌ای از شواهد این گروه است که قرآن کریم رویکرد دوم را تأیید می‌کند. (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۳۸) چنانچه خداوند با نزول آیاتی بر پیامبر (ص) مردمان آن زمان را از زنده به گور کردن دختران (تکویر / ۹) و کشتن فرزندان از ترس فقر (اسراء / ۳۱) نهی فرمود. و نیز با نزول سوره کوثر در توصیف مقام حضرت زهرا (س) عنوان خیر کثیر را به ذریه پیامبر (ص) که از نسل دخترش می‌باشند را می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۳۹/۲۰) همچنین اینکه قرآن اصل برابری را در خلقت برای زنان و مردان قائل است و معیار برتری را در تقوی و عمل صالح می‌داند. (نجم / ۴۶ و نساء / ۱۲۴) نقطه اتمام حجتی است که نشان داده شود؛ هیچ فرقی در حقوق انسانی زن و مرد وجود ندارد. سنت پیامبر (ص) هم که الگوی رفتار مسلمانان در همه زمینه‌ها است اگرچه برخلاف قرآن از تحریف در امان نمانده است؛ اما با این وجود نمی‌تواند مخالف دستورات الهی در نوع روابط اجتماعی با زنان باشد. بسیاری از مطالب و واقعیت‌های دوره صدر اسلام درباره زنان متأسفانه در کتب تاریخی به صورت دقیق ذکر نشده است. آیت الله جوادی آمل، در این زمینه می‌نویسد:

«زنانی بودند اباذر گونه، که اولاً در صحنه جن، کاملاً حضور داشتند، و برای تشجیع نیروهای اعزامی و رزم، از آیات قرآن و احادیث رسول خدا صلی الله علیه و آله استمداد می‌نمودند و دعوت و رهبری اینها بر محور قرآن کریم بود. آنان از آیات قرآن به اندازه کافی اطلاع داشتند و به موقع، آیات را در جای خود تلاوت می‌کردند و از آنها به عنوان





دلیل استفاده می‌کردند و نه تنها در زمان قدرت، بلکه در زمان ضعف نیز حضور ذهنیشان نسبت به قرآن باعث شد که بتوانند از آیات، مدد بگیرند و اباذرگونه اعتراض کنند، چه این که به هنگام قدرت نیز همچون مالک اشتر دفاع می‌کردند. اگر کارهایی که زنان اباذرگونه، در جنگ‌ها و صحنه‌های سیاسی اسلام کردند، ده‌ها بار گفته می‌شد و به صورت فیلم تبلیغی در می‌آمد و ده‌ها کتاب در آن زمینه نوشته می‌شد، آنگاه مشخص می‌شد که زن‌ها در پیشبرد مسائل نظامی در صدر اسلام، همچون اباذر و مالک اشتر، در صحنه بوده‌اند». (مهریزی، بی تا: ۱۷)

بستر مناسبی که پیامبر<sup>(ص)</sup> برای حضور فعال زنان با توجه به فضای جاهلی حاکم بر آن جامعه ایجاد نموده بود؛ به اندازه کافی رشد کرد. گویی این تحول عمیق که با ظهور اسلام در جزیره العرب به وقوع پیوست، بعد از رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup> برگشت پذیر بوده. در این میان از وجود شاخص‌های نگاه منفی به حضور زن در جامعه اسلامی که متأثر از حکومت‌های بعد از پیامبر<sup>(ص)</sup> و تفکرات و احادیث معجول یهودی بوده، نمی‌شود غافل ماند و مورخان اسلامی نیز همین تفکر جاهلی را طی قرن‌های مختلف به نسل‌های بعدی انتقال داده‌اند.

### منابع صحابه نگاری

نهضت صحابه نگاری از همان قرن اول توانست همپای سیره‌نگاری و حدیث نگاری جای خود را در میان علوم اسلامی باز کند، به طوری که خود شاخه بسیار مهمی از علم رجال به معنای عام آن شد. از آنجا که بخش عظیمی از فقه، حدیث و تاریخ مسلمانان به گزارش‌های صحابه وابسته است، علمای بسیاری توان خود را صرف این بخش کرده‌اند. (هدایت پناه، ۱۳۸۳: ۱۸۹) منابع تاریخی نشان می‌دهد که مسلمانان از همان قرن اول و حتی از دوران خلفا به اصحاب رسول خدا<sup>(ص)</sup> و جایگاه و اعتبار

آنان توجه خاصی داشتند. (همان: ۱۹۸) یکی از عواملی که می‌نوان بستر تاریخی و اجتماعی صحابه نگاری دانست این است که از نظر اجتماعی برای نوادگان صحابه بسیار مهم بود که اطلاعاتی درباره اجدادشان و نقش آنان در تاریخ اسلام داشته باشند. (همان: ۲۰۰) نیاز به معرفت سیره پیامبر(ص) و ائمه و اصحاب آن بزرگوار، نه تنها به عنوان رهبر دینی، بلکه به عنوان منبع تشریح اساسی اسلامی، برای بهره‌گیری از خبرگی‌های حکومتی و مدیریتی و رهنمودهای و راهبری‌های او در تشکیل حکومت، و نیز با اعتقاد بر اینکه هر حدیث از این بزرگواران به مثابه قانون و هر عملی از ایشان به منزله سنتی متبع است، مسلمانان را بر آن داشت تا هر قول و حرکت و تقریر و اشاره از پیامبر(ص) و ائمه و صحابه را ثبت کنند. (آئینه‌وند، ۱۳۷۷: ۱۰۰) قرآن کریم بر نقش رجال مومن در پیش برد اهداف متعالی اسلام، تاکید کرده است. خداوند در سوره احزاب آیه ۲۳ می‌فرماید: «از میان مومنان هستند مردانی که به آنچه با خدا عهد کردند صادقانه وفا کردند». همین امر باعث شد تا بعد از رحلت ایشان، مسلمین به نقش و ارزش رجال و جهت‌گیری فکری و عملی آنان در جهت‌دهی حوادث تاریخ و هدایت تحول آن، عنایت کنند و زمینه توجه به علم رجال و صحابه را در خانواده تاریخ پدید آوردند. این علم در میان شعبه‌های تاریخ‌نگاری اسلامی بالید و بعداً خود فنی مستقل گردید. (همان: ۱۰۱)



تسمیه نویسی، شاخه‌ای از علم انساب است یا دست کم برگرفته از علم انساب است، برای مورخین در مرحله نخست، آنچه مهم بود؛ شناخت و تبیین نام و مشخصات فردی و قبیله‌ای اصحاب بود تا وجود خارجی این افراد معلوم گردد. فهرست نویسی صحابه نام تسمیه یا اسماء از قرن سوم شتاب بیشتری گرفت. غالب کتاب‌هایی که در باره تراجم نویسی راویان حدیث با عناوین طبقات و تاریخ نوشته شده، بخش قابل توجهی از آنها به فهرست نام صحابه اختصاص داده شده است. (همان: ۲۰۱) چنانچه



یکی از رایج ترین شیوه‌های تاریخ نگاری به معنای عام، یعنی ضبط و تدوین اخبار تاریخی و فرهنگی و علمی، همان طبقات نویسی است. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۹۱: ۹۳) اگر چه به نظر می‌رسد که نویسندگان طبقات و معجم، کتب خود را صرفاً با هدف تاریخ نگاری و به عنوان آثار تاریخی ننوشته، و ظاهراً عنوان و مضمون بسیاری از کتبشان به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد نباید آن‌ها را جزء آثار تاریخی به شمار آورد، اما این منابع از مهم ترین منابع برای بررسی تاریخ اجتماعی و فرهنگ و تمدن به شمار می‌رود و از همه آنها می‌توان فواید تاریخی صرف نیز در بر گرفت. (همان) کتب صحابه نگاری دیگری نظیر طبقات الکبری ابن سعد واقدی، استیعاب فی معرفه اصحاب ابن عبد البر و... نیز از این دست منابع به شمار می‌آیند. فرانتس روزنتال نیز در کتاب تاریخ تاریخ نگاری در اسلام درباره منابع صحابه نگاری معتقد است؛ تألیفات فراوانی درباره صحابه وجود دارد و نخستین کسی دست به تصنیف زد، بخاری بوده است. همچنین او کتاب اسد الغابه را معیار و مرجع برای کتب صحابه نگاری بعدی می‌داند. (روزنتال، ۱۳۶۸: ۲۲۸)

### زندگی و آثار ابن اثیر جزری

ابوالحسن علی بن ابی‌الکرم محمدبن عبدالکریم بن عبدالله شیبانی (۴ جمادی الاول ۵۵۵-۶۳۰ ق/۱۳ مه ۱۱۶۰-۱۲۳۳) ملقب به عزالدین و مشهور به ابن اثیر جزری مورخ، ادیب و محدث بوده است. (رضازاده لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۰۲) منابع درباره کودکی وی و اینکه چگونه این دوران را سپری کرد اطلاعات چندانی بدست نمی‌دهند. (طلیعات، ۱۹۶۹م: ۱۹) احتمالاً آموزش را در اوان کودکی با قرآن شروع کرد. سپس به فقه و حدیث پرداخت و در موصل، شام و بغداد نزد استادانی چون ابو محمد عبدالله بن علی بن سویده، احمد بن عبدالرحمن بن وهبان معروف به ابن افضل الزمان ابوالقاسم یعیش بن صدقه، عبدالمنعم بن کلیب حرانی ابن ربان بن طوسی و ابن غنائم حلبی



دانش آموخت. (رضازاده لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۰۲) از تأثیر پدر او نیز نمی‌توان غافل بود که فرد با سواد و ادیبی بوده است چنانچه گفته شده؛ پدرش رئیس دیوان و نائب وزیر موصل بود. (طلیعات، ۱۹۶۹: ۱۳) درباره اخلاق او را نیز چنین توصیف کرده‌اند که مردی کامل از لحاظ فضائل و حسن خلق و نیز دارای تواضع بسیار بود. (همان: ۳۰) شهرت وی نیز دیرتر از آن آغاز شده بود که شرح احوالش در معجم الادباء یاقوت ذکر شود، اما روایت قفطی در انباه الرواه در زندگی نامه یاقوت حاکی از ارج گذاری وی به ابن اثیر است. بنا به گزارش قفطی یاقوت اندکی پیش از مرگ طبق وصیتی کتاب‌های خود را به ابن اثیر سپرد تا وی آنها را به وقف الزیدی بغداد برساند و به ناظرش شیخ عبدالعزیز بن دلف تحویل دهد. هرچند ابن اثیر این تعهد را پذیرفت، اما به آن عمل نکرد او در (۶۲۶ق/ ۱۲۲۹م) ابن اثیر را در حلب دیدار کرده است و او را بسیار ستوده است. ابن خلکان می‌گوید: ابن اثیر حافظ حدیث بود و تواریخ را از برداشت و انساب عرب را نیک می‌دانست و به اخبار عرب واقف بود. ابن اثیر مورد احترام نویسندگانی که از آثار وی سود جستند بوده است. ابن جوزی، از او به عنوان استاد یاد کرده است ابن کثیر و ابن عماد حنبلی نیز ستوده‌اند. ابن اثیر سرانجام در موصل موصل درگذشت، تاریخ درگذشت او را در سال ۶۳۲ق نیز یاد کرده‌اند. (رضازاده لنگرودی، ۱۳۶۸: ۷۰۳-۷۰۲)

اکثر تالیفات ابن اثیر دارای محور تاریخی است. مشهورترین آنها به قرار ذیل است:

۱. الکامل فی التاریخ؛ در زمینه تاریخ عمومی

۲. تاریخ الباهر فی الدوله اتابکیه؛ در زمینه تاریخ سیاسی دولت اتابکیه

۳. اسد الغابه فی معرفه الصحابه؛ در زمینه تراجم صحابه

۴. الباب فی تهذیب الانساب؛ در زمینه علم انساب (طلیعات، ۱۹۶۹م: ۵۳).





ابن اثیر به دو نوع از دانش اهتمام بیشتری ورزید؛ یکی از آنها جنبه شخصی داشت که دانش دینی بود که از آن علم الحدیث را اختیار کرد و در آن تخصص پیدا کرد چنانچه ابن خلکان و دیگران درباره‌اش می‌گویند: در حفظ حدیث و شناخت هر آنچه بدان متعلق بود پیشرو گشت. دانش دیگر دانش ادبیات بود که از آن تاریخ را برگزید و متخصص شد چنانچه باز گفته شده: بر تواریخ قدیم و جدید مسلط شد و به انساب عرب، حوادث و اخبارشان آگاهی پیدا کرد و در کنار اینکه تاریخ جذبش کرد، به علم رجال و انساب بخصوص صحابه شناخت حاصل کرد. (همان: ۲۲) گفته شده سبک و روش تاریخنگاری ابن اثیر در کتاب تاریخ الکامل، که از منابع مشهور و روایی تاریخ اسلام است و به نام‌های کامل ابن اثیر، کامل التواریخ و تاریخ کامل نیز شناخته شده است. (خضری و کرامتی، ۱۳۸۴: ۸۰) روش ترکیبی است. چنانچه وی به مقایسه و گزینش و پالایش روایات پرداخته و در باب هر حادثه‌ای از میان روایات متعدد، کامل‌ترین روایات را برگزیده و یا همه روایات مختلف درباره یک موضوع را به رغم اختلاف در طرق و اسانید آن به شکل یک روایت منجسم در آورده است. (سجادی و عالم زاده، ۱۳۹۱: ۵۳) تاریخ نگاری ترکیبی را می‌توان حد فاصل دو نوع تاریخ نگاری توصیفی و تحلیلی دانست که از تاریخ نگاری توصیفی برتر، اما از تاریخ نگاری تحلیلی ناقص‌تر است. تاریخ نگاری ترکیبی را با توجه به نمونه‌هایی از آن که به جای مانده می‌توان؛ صورت تصفیه شده و پالایش یافته تاریخ نگاری توصیفی به شمار آورد. از این منظر تاریخ نگاری ترکیبی با نوعی رویکرد انتقادی با روایت‌های توصیفی برخورد می‌کند و شرایط اجتماعی و اندیشه‌ای خود را نیز در این تصفیه و ترکیب وارد می‌سازد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۱۱۶)

## اسد الغابه فی معرفه الصحابه

عنوان اثر ابن اثیر به دو صورت خوانده می‌شود؛ *أسد الغابه* که به معنای شیر بیشه است و نیز *أسد الغابه* که به معنای شیران بیشه است و این کتاب به زندگی بیش از هفت هزار تن از صحابه‌ای می‌پردازد که یاری‌گر پیامبر در لحظات سخت بودند. واژه صحابه یکی از لغات بحث برانگیز در بین دانشمندان امروزی و مورخین نخستین بوده است. چنانکه مورخین در تعریف واژه صحابه دارای نظرات متفاوت و اختلاف نظر هستند. بعضی همچون سعید بن مسیب صحابه را در شمار کسانی می‌داند که پیامبر<sup>(ص)</sup> را به مدت زمان یک یا دو سال درک کرده باشند و نیز همراه پیامبر<sup>(ص)</sup> در یک یا دو غزوه شرکت کرده باشند. واقدی اعتقاد دارد هرآنکه پیامبر<sup>(ص)</sup> را دیده باشد در شمار صحابه است حتی اگر ساعتی از روز باشد. ابن حنبل نیز می‌گوید: هر کسی که ماهی یا روزی یا ساعتی پیامبر<sup>(ص)</sup> را دیده و درک کرده در شمار صحابه است و از نظر صاحب کتاب *اسد الغابه*، ابن اثیر جززی، صحابه؛ کسی است که مدت طولانی حیات پیامبر<sup>(ص)</sup> را درک کند جدای از اینکه در غزوه‌ای همراه پیامبر<sup>(ص)</sup> باشد یا نباشد و از ایشان سخنی را روایت کند یاخیر، به همین حتی نام برخی از مرتدین را در شمار صحابه در کتاب خود آورده است. (طلیعات، ۱۹۶۹: ۶۷) شناخت صحابه از نظر ابن اثیر برای مسلمانان امری ضروری است، چون در مسائل دینی باید شناختی از اعمال، احوال، انساب و سیره صحابه بدست آورد و اهمیت شناخت این طبقه خاص به اندازه‌ای است که به مفسران و محدثان بسیاری برای صحت روایات احتیاج است. (همان: ۶۳)

کتاب *اسد الغابه* بعد از مقدمه با ذکر زندگانی حضرت رسول<sup>(ص)</sup>، شروع و با هجرت و مسائل مهم دوره حیات پیامبر<sup>(ص)</sup> به صورت خلاصه ادامه می‌یابد. بخش بعدی با معرفی و شرح حال صحابه مرد با حرف همزه آغاز می‌گردد. فصل آخر کتاب *اسد*





الغابه به ذکر نام صحابه زن به ترتیب حروف الفبا می‌پردازد نام این فصل کتاب النساء است که خود این فصل به دو بخش ذکر زنان با کنیه‌هاشان و ذکر زنانی که نامشان مجهول است و با عناوین: خاله و جده و عمه معروف‌اند، تقسیم می‌شود. از آنجایی که کتاب به ذکر نام مردان و زنان صحابه می‌پردازد، عصر خاصی مورد توجه است که آن عصر نبوی می‌باشد. نثر کتاب ساده و به زبان عربی است. به علت روان بودن و داشتن اطلاعات انسبایی و قبیل‌ای، تقریباً قابل فهم بوده و به فارسی ترجمه نشده است. صحت روایت‌هایی که ابن اثیر نقل می‌کند بسته به روایان و استادان وی است. به طوری که نمی‌شود منقولات وی را جزء اطلاعات غیر مستند و یا مغرضانه، جای داد. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۳۹) اما در مواردی که در تعداد روایات و نوع خبر؛ که در آن اختلاف نظر وجود دارد؛ جانب احتیاط را پیموده و صحت آن را به روایان واگذار می‌کند و در آخر کلامش جمله معروف "والله اعلم" را به کار می‌برد. همچنین ابن اثیر از چهار کتاب مهم تراجم الصحابه استفاده کرده و در مواردی، مطالبی را که در آن‌ها وجود نداشته به اثر خود اضافه کرده است و آراء و نظرهایی که به نظرش خطا بوده را اصلاح کرده است. (طلیعات، ۱۹۶۹: ۵۳) و آن چهار کتاب که ابن اثیر به

عنوان منابع اصلی از آنان استفاده کرده است:

۱. کتاب معرفه الصحابه: ابن منده اصفهانی
۲. کتاب معرفه الصحابه: ابی نعیم اصفهانی
۳. کتاب استیعاب فی معرفه اصحاب: ابن عبد البر قرطبی
۴. کتاب تقييد المهمل و تمیيز المشكل فی رجال الصحیحین: ابی علی الفسانی (همان:

(۷۰)

همچنین در بخش‌هایی از کتاب مطالب خود را به ابو موسی محمد بن ابی بکر بن ابی عیسی استناد می‌دهد که اطلاع کاملی از کتاب این شخص یافت نشده است.

(همان: ۷۰) به گفته یکی از محققین در زمینه صحابه نگاری: کتاب ابن اثیر را باید فصل الخطاب تمام کتاب‌هایی دانست که تا پیش از او در حوزه صحابه‌نگاری نوشته شده است. نکته مهمی که ابن اثیر خواسته تا بدان توجه لازم را مبذول دارد؛ تشخیص اصحاب از دیگران و تمییز میان افراد مشابه بوده است. هرچند در برخی موارد خود او نیز دچار اشتباهات زیادی شده برای مثال گاه یک نفر به دلیل تعبیر مختلفی که از او در روایات شده است به چند نفر تبدیل شده است که گاهی ابن اثیر متوجه این موضوع شده و گاهی به گفته‌های صحابه نگاران چهارگانه اعتماد کرده، با این حال کتاب ابن اثیر نقد نشده و تنها نووی، کاشغری و ذهبی این کتاب را تلخیص کرده‌اند. این موضوع نشان می‌دهد که ابن اثیر در هدف خود موفق بوده و اسد الغابه توانسته است جامع کتاب‌های پیش از خود باشد. (هدایت پناه، ۱۳۸۴: ۲۲۷) این منبع صحابه نگاری سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۲۸۶ در پنجم مجلد در مصر به چاپ رسیده، در تهران هم از روی آن چاپ افست شده است. (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۳/۱)

### حضور و نقش زنان صحابه در اجتماع عصر نبوی با تاکید بر اسد الغابه

مسائل سیاسی همواره در کنار نام مردان ذکر شده و تاریخ در اغلب موارد نامی از زنان به میان نمی‌آورد یا اینکه حضور زنان را کم رنگ نشان می‌دهد. تحولات شگرفی که با حکومت اسلامی در شبه جزیره عربستان به وقوع پیوست برای قشر زن نیز مجوز ورودی در تمامی زمینه‌ها شد با وجود اینکه شرع اسلام این مجوز را با برخی حد و مرزها نظیر حجاب و... صادر کرد، اما نتیجه این قضیه زمینه ساز شدن زنان در بسیاری از تحولات سیاسی، اعتقادی، نظامی و اجتماعی و... در صدر اسلام بود. بسیاری از زنانی که حیات پیامبر (ص) را درک کرده‌اند بعد از رحلت ایشان در عرصه‌های مهم سیاسی - نظامی و اعتقادی حضور داشتند معروفترین آنان زنی به نام سجاح است که ادعای پیامبری نمود و پیروان بسیاری را اطراف خود جمع کرد. (زرگری





نژاد، ۱۳۸۶: ۷۴) همین طور حضور عایشه همسر پیامبر<sup>(ص)</sup> در جنگ جمل به عنوان فرمانده ارشد نظامی است که همین داستان نشان از حضور زنان دیگری در ماجرا دارد چنانچه به گفته مسعودی؛ بعد از اتمام جنگ جمل که عایشه شکست می خورد؛ امام علی<sup>(ع)</sup> عایشه را با چهل زن، که دهان‌بند داشتند به همراه برادرش به سوی مدینه می فرستد. (مسعودی، ۱۳۶۲: ۳۴۶) به گفته یعقوبی این تعداد؛ هفتاد نفر بودند که اکثراً از قبیله عبدالقیس بودند. (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۸۲/۲) خبر دیگری نیز مشهور است که امام علی<sup>(ع)</sup> از عایشه می خواهد بصره را ترک نماید که در غیر این صورت زنانی از قبیله بکر بن وائل را به ستیز با وی خواهد فرستاد. (مفید، ۱۳۸۴: ۹۵) از سایر فعالیت‌های زنان در امر سیاست نباید غافل ماند که ممکن است به طور دقیق در منابع ذکر نشود، ولی دلیل بر نقش نداشتن آنان نیست. برای مثال ابن اثیر روایت می کند که اصحاب شورا زمان قتل عثمان در خانه زنی به نام فاطمه دختر قیس بن خالد جمع شدند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۲۳۰/۶)

ابن اثیر در معرفی زنان عصر نبوی در اغلب موارد به ذکر نام زنان صحابه، نام پدر و ذکر قبیله و نسب آنان کفایت می کند. با این حساب نمی شود گفت زنان دارای فعالیت اجتماعی نبودند به علت این که این منبع صحابه نگاری صرفاً یک منبعی است که جزء تراجم محسوب می شود و هدف مولف آن، دادن اطلاعات تاریخی نیست اما باز اطلاعات مهمی نظیر اینکه این زنان جزء انصار بودند یا مهاجرین و نیز اینکه چه نسبتی با افراد مشهور و صحابه مرد داشتند و چه زمانی به اسلام گرویدند را می توان متوجه شد. برای نمونه ابن اثیر در شرح حال «لبابه بنت حارث» می نویسد: «او اولین زنی است که بعد از خدیجه اسلام آورد». (همان: ۲۵۳) و نیز درباره زنانی که زمان اسلام آوردنشان نزدیک به زمان بعثت و نیز قبل از زمان تغییر قبله از مسجد اقصی به مسجد الحرام بوده اصطلاح (صلت قبلتین) را بکار می برد. (همان: ۳۸۷، ۳۹۷،

۳۹۸) عنوان بیعت کردن در کنار نام اکثر زنان صحابه انصار و مهاجر نشان از یک عمل دینی- سیاسی و قبول حاکمیت اسلامی و نوعی پیمان بستن زنان با رسول خدا(ص) است. سیر تاریخی و سال تولد و وفات تمامی زنان صحابه مشخص نیست، اما در مورد بانوان مشهور صحابه نظیر حضرت فاطمه(س) توضیحات بیشتری راجع به بقیه زنان دارد و در چگونگی وفات ایشان و مدت زندگیشان روایت‌های مختلف را نقل می‌کند. (همان: ۲۲۱-۲۲۷) ابن اثیر زنانی را نام می‌برد که به برخی از مشاغل مشغول بودند، از قبیل قابلگی و نگه داری و تربیت کودکان، (همان: ۱۴۷) آرایشگری و عطر فروشی (همان: ۷۶-۱۶) ابن اثیر جزئی از نزول آیات متعددی از قرآن کریم بر پیامبر(ص) سخن به میان می‌آورد که شان نزول آن آیات، زنان صحابه هستند. (برای نمونه رک به ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶ / ۳۸۲-۳۳۶) همچنین وی از زنی به نام «الشموس بنت النعمان» به عنوان کسی که در هنگام ساخت مسجد قبا همراه پیامبر(ص) بوده و ایشان را همراهی می‌کرده نام می‌برد. (همان: ۱۶۶) مولف اسد الغابه داستانی متفاوت از سایر منابع در نحوه اسلام آوردن عمر بن خطاب نقل می‌کند و سبب مسلمان شدن وی را خوهرش «فاطمه دختر خطاب» می‌داند که قبل از عمر به همراه همسرش سعید بن زید مسلمان شد و در طی برائت از بت‌ها و مشرکین برادرش عمر را به اسلام جذب کرد. (همان: ۲۲۰) شاید بتوان مهم‌ترین عرصه‌هایی که زنان حضور داشتند را در موارد ذیل خلاصه نمود؛

#### ۱. زنانی که در جنگ‌ها حضور داشتند

مسئله جهاد در راه خدا یکی از اصلی‌ترین مسائل دینی و سیاسی صدر اسلام است چنانچه در شرع اسلام جهاد بر مردان واجب است و بسیاری از آیات سوره‌های مدنی نظیر آل عمران، احزاب، انفال، توبه مربوط به جهاد و مسائل فرعی آن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۸) و در مقابل آن جهاد بر زنان واجب کفایی بوده (جلالی





کندری، ۱۳۸۲: ۱۰۲) و بسیاری از آیات و روایات معصومین این قضیه را تأیید می‌نمایند. چنانچه خود ابن اثیر نیز نقل می‌کند که «ام ورقه بنت عبدالله» زنی بوده که بسیار مشتاق بود در جنگ بدر همراه پیامبر<sup>(ص)</sup> شرکت کند تا خداوند شهادت را نصیبش گرداند و پیامبر<sup>(ص)</sup> مانع این امر شده و فرمودند: «در خانه ات بمان که خداوند شهادت را روزی ات گرداند» گفته شده به همین سبب به او لقب شهیده دادند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/ ۴۰۸) همچنین «اسماء دختر یزید بن سکن» از اصحاب پیامبر<sup>(ص)</sup> بود. این بانو، با کفایت، شجاع و بسیار فصیح بود و او را خطیب زنان می‌گفتند. روزی خدمت پیامبر<sup>(ص)</sup> رسید و عرض کرد: پدر و مادرم فدای شما باد! من به نمایندگی از جانب جمعی از زنان به حضور شما رسیده‌ام. ما همه، حرفمان این است که خداوند شما را به سوی مردان و زنان مبعوث کرد و ما به شما ایمان آوردیم و از شما پیروی کردیم. در حالی که ما گروه زنان خانه نشین و خانه دار هستیم و اولاد را به شکم حمل می‌کنیم، ولی مردان با شرکت در جماعات و تشییع جنازه‌ها و جهاد بر ما فضیلت پیدا می‌کنند. وقتی به جهاد می‌روند، ما حافظ اموال و تربیت کننده اولاد آنهایم. آیا بدین جهات در ثواب آنان شریکیم؟ پیامبر<sup>(ص)</sup> رو به اصحاب کرده، فرمود: آیا زنی دیده‌اید که بهتر از این زن درباره مسائل دینش سؤال کند؟ سپس رو به اسماء کرد و فرمود: برگرد و آنان که تو را فرستاده‌اند آگاه کن که خوب شوهرداری کردن، طالب رضای شوهر بودن و خوب پیروی کردن شما از شوهرانتان، اجری معادل اجر همه اعمال مردان دارد. اسماء در حالی که از شادی تکبیر و تسبیح می‌گفت، برگشت. (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ۴/ ۱۷۸۸) عموماً جنگ آوری و حضور در صحنه‌های نبرد جزء وظایف، افتخارات و محل حماسه آفرینی مردان بوده است اما به گواهی تاریخ؛ شاهد حضور زنان در عرصه نظامی و جنگ‌های صدر اسلام هستیم. حضور این زنان در جنگ‌ها دارای اهداف همچون تشویق به مبارزه، پشتیبانی و تدارکات، مبارزه رو در



رو بادشمن، نگهبانی و مدیریت و فرماندهی بوده است. (برای اطلاعات بیشتر ر.ک: به جلالی کندری، ۱۳۸۲: ۱۱۹-۱۰۵)

هرچند ابن اثیر عموماً به ذکر نام جنگی که صحابی زن در آن شرکت کرده بسنده می‌کند و از توضیح بیشتر صرفه نظر می‌کند، اما همین امر که زنان صحابی در کدام غزوات، پیامبر(ص) را همراهی کرده‌اند موضوع قابل ملاحظه‌ای است. بیشترین حضور زنان در جنگ‌ها شامل جنگ‌هایی می‌شده که امکان حضور برای زنان آسان تر بوده نظیر دفاع در جنگ‌های شهری، همچون خندق و خیبر.

از جمله زنانی که در عرصه نظامی حضور داشتند عبارت بودند از:

**صفیه بنت عبدالمطلب**: وی عمه پیامبر(ص) و مادر زبیر بن عوام بود. گفته شده در جنگ خندق که مسلمانان برای دفاع به خارج از مدینه رفته بودند، پیران، زنان و کودکان در مدینه مانده بودند، یکی از یهودیان با وجود اینکه با پیامبر(ص) پیمان دفاع از مدینه داشتند بغض عهد کرده و قصد حمله و ترساندن زنان و کودکان می‌کند که صفیه دختر عبدالمطلب شمشیر برداشته به دفاع بر می‌خیزد و سر از تنش جدا می‌کند. گفته شده وی اولین زنی است که یکی از مشرکان را به هلاکت می‌رساند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/ ۱۷۴)

- **رفیده الانصاریه**: وی همان پرستار معروف است که در جنگ خندق خیمه‌ای برای

مداوای زخمیان ترتیب داده بود. (همان: ۱۱۱)

- **کیبعه بنت سعید** - **ام مطاع** - **ام ضحاک بنت مسعود** - **ام رمثه** زنانی بودند که

همراه پیامبر(ص) در جنگ خیبر حضور یافتند و پیامبر(ص) برایشان از غنائم خیبر سهمی

به اندازه سهم یک مرد قائل شد. (همان: ۲۵۳-۳۵۵-۳۹۵-۳۳۱)

- **حضرت فاطمه زهرا(س)**: ایشان یکی از برجسته‌ترین زنانی است که در اکثر صحنه‌های

سیاسی - اجتماعی صدر اسلام، در کنار پدرشان؛ حضرت پیامبر(ص) و همسرشان؛





حضرت علی<sup>(ع)</sup> حضور داشتند. نقل شده در جنگ احد علاوه بر رساندن آب و غذا به مجاهدان اسلام، زخم‌های پیامبر<sup>(ص)</sup> را به همراه حضرت علی<sup>(ع)</sup> مداوا می‌کردند. (جلالی کندری، ۱۳۸۲: ۱۰۸)

- **ام سلیط:** یا ام سلط وی نیز جزء زنانی بوده که در جنگ احد مشک‌های آب را به همراه خود برای رزمندگان حمل می‌کرد و مشک‌های معیوب و سوراخ را ترمیم می‌کرد. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/۳۴۵ و جلالی کندری، ۱۳۸۲: ۱۰۸)

- **ام الحارث الانصاریه:** بنابر قول معروف گفته شده که در غزوه حنین هنگامی که آثار هزیمت مسلمانان پدیدار گشت تعدادی از مردان از میدان گریختند، چنان که «ام حارث الانصاریه» عمر بن خطاب را در حال فرار دید و به او گفت: این کار چیست که انجام می‌دهی؟ عمر در توجیه کار ناپسند خود گفت: قضا و قدر الهی است اما ام الحارث مانع فرار شوهر خود شد و او را به مبارزه و پایداری تشویق کرد. (جلالی کندری، ۱۳۸۲: ۱۰۶) ابن اثیر نام این زن را «نسیبه بنت کعب انصاریه» نقل می‌کند و همچنین بار دیگر او را با کنیه (ام عماره انصاریه) در بخش کنیه‌ها می‌آورد و درباره‌اش می‌گوید که در حنین همراه رسول خدا<sup>(ص)</sup> شرکت کرد. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/۳۱۲)

- **الربیع بنت معوذ:** وی در بیعت رضوان شرکت داشته و در یکی از غزوات همراه پیامبر<sup>(ص)</sup> به عنوان پزشک یا پرستار زخمیان و مجروحان را مداوا می‌کرد. (همان: ۱۰۸)

- **ام المومنین عایشه:** بالاترین حضور یک زن در عرصه نظامی صدر اسلام، مقام فرماندهی جنگی است که از آن عایشه همسر پیامبر<sup>(ص)</sup> در جنگ جمل بوده است، هر چند این سمت و جنگ از نظر شیعه به حق نیست، اما بدون در نظر گرفتن این مسئله، نشان از بستر مناسب و همواری است که از زمان حیات پیامبر<sup>(ص)</sup> برای قشر زن در

اجتماع فراهم شد. عایشه در زمان پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز در چند غزوه نظیر احد حضور داشت. (همان: ۱۹۲)

## ۲. زنان راوی حدیث:

در میان اطلاعاتی که این منبع صحابه نگاری به خوانندگان می دهد یک مسئله حائز اهمیت وجود دارد که آن هم وجود زنان راوی حدیث است. درباره صحت و نوع احادیث و نیز معتبر بودن سلسله راویان احادیثی که ابن اثیر نقل می کند جای بحث و تحقیق بیشتری وجود دارد به جز قرآن که از تحریف مصون است، سنت به هیچ عنوان از تحریف و دستکاری در امان نمانده است و در برابر منابع تاریخی و مصادر اسلامی ناگزیر از دیدی انتقادی و علمی هستیم. چنانچه علامه عسگری در کتاب ارزشمند یکصد و پنجاه صحابه ساختگی؛ ابن اثیر را در شمار مورخین و صحابه نگارانی یاد می کند که از گزند تحریفات و جعلیات در امان نمانده است. (عسگری، ۱۳۶۷: ۷۹-۸۲) و نیز آشکار است که کلیه منقولات اصحاب پیامبر<sup>(ص)</sup> به صحت نپیوسته است؛ زیرا احادیث تا نیمه قرن دوم هجری، ضبط نشده بود و پیداست که با گذشت یک قرن و نیم از زمان صدور حدیث، مدار تحدیث، نقل شفاهی بوده و به اتکای حافظه از کسی که حدیث را شنیده بود، به دیگری نقل می شد. علاوه که حدیث نقل به معنا می شده و چون همگان در تادیه معنای حدیث به الفاظ دیگر چنانکه بایست احاطه نداشتند، خواه ناخواه در معنا تغییری حاصل می شد و جاعلان حدیث در این فاصله زمانی بسیار بوده اند. (مدیر شانه چی، ۱۳۸۶: ۴۰) همچنین هر حدیثی را که یکی از تابعین و یا اتباع آنها (نسل پس از اصحاب پیامبر<sup>(ص)</sup>) بدون ذکر راویان از پیامبر<sup>(ص)</sup> نقل نماید دو نوع است:

۱. اینکه کسی که حدیث را به صورت مرسل نقل کرده از بزرگان تابعین باشد به طوری که گروهی از اشخاص عادل شهادت به موثق بودن او بدهند در مورد این





اشخاص در صورتی که حدیث مرسل دیگری هم در تأیید آن آمده باشد و یا گفتاری از اصحاب آن را تأیید کند و یا مورد قبول عموم اهل علم باشد، حدیث مرسل او حتی در مورد احکام هم پذیرفته می‌شود. (بیهقی، ۱۳۶۱: ۶۶/۱)

۲. احادیث مرسلی است که از متأخران تابعین نقل شده باشد که معمولاً احادیث خود را از قول هر کسی ممکن است گرفته باشند و دانشمندان حدیث هم در آن ضعفی احساس نمایند در مورد احکام پذیرفته نمی‌شود اما در مواردی که بر آن حکمی مترتب نیست از قبیل دعوات و مکارم اخلاق و یا سیره و مغازی پذیرفته می‌شود. (همان)

بنابراین به راحتی نمی‌شود بر نسبت این قبیل احادیث که مهم ترین راوی در جمع زنان صحابه، عایشه است. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱۹۲/۶) صحه گذاشت و یا رد کرد با این وجود اگر قرار باشد زنان راوی حدیث در الغابه صرفاً بر اساس نوشته این مورخ و بدون اعمال نظر داوری در صحت احادیث، توصیف شود؛ باید گفت: در کل احادیث نقل شده از راویان حدیث زن، پیرامون احکام اسلام و بیشتر احکام و مسائل مربوط به زنان، ذکر فضائل پیامبر<sup>(ص)</sup> و در مواردی فضائل همسران پیامبر<sup>(ص)</sup> و نیز مسائل خانواده نظیر ازدواج، طلاق، حقوق اقتصادی زنان همچون نفقه، مهریه، دیه و... می‌باشد و اکثر راویان، کسانی بودند که نسبت نزدیکی با شخص پیامبر<sup>(ص)</sup> داشتند و همچنین زنانی نیز بودند که برایشان سوال پیش می‌آمد و از پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌پرسیدند و از زبان آنان به دیگران روایت می‌شد. وجود برخی احادیث که عموماً با عقل و درایت قابل پذیرش نیست نیز در این منبع وجود دارد که شاید نشان از اهداف مغرضانه راویان و جاعلان حدیث باشد (برای نمونه نک: به ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۱۶/۶-۲۹۵-۳۰۴) از آنجا که نوع نگارش اسد الغابه به صورت تراجم بوده و در اصل کتابی حدیثی و تاریخی نیست، نمی‌شود کلیه احیث روایت شده را از این منبع استخراج کرد

بطوریکه در معرفی بسیاری از زنان صحابه صرفاً اصطلاح «روی عنها حدیث» را به کار می‌برد، بدون اینکه حدیث را ذکر نماید. تعداد زنان راوی بیشتر از دویست نفر در این منبع می‌باشد.

### ۳. زنان شاعر و مرثیه سرا:

با وجود تاکید قرآن و نیز سنت پیامبر<sup>(ص)</sup> بر یادگیری دانش بدون در نظر گرفتن جنسیت، روایات فراوانی دلالت بر این دارد که به زنان نوشتن می‌آموزید و یا از قرآن تنها سوره نور را به آنها یاد دهید. چنین روایاتی، گذشته از صحّت و سقم آن، در شکل گیری ذهنیت فرهنگی مسلمانان تأثیرگذار بوده است. این باور و تلقی، بر ذهنیت زنان و جامعه انسانی تأثیر منفی می‌گذارد و اصالت را در کارکرد زن به همین امور تقلیل می‌دهد. (مه‌ریزی، بی تا: ۱۵) با این وجود شواهد بسیاری از آموزش و تعلیم زنان در صدر اسلام وجود دارد که می‌تواند مثال نغض این روایات باشد؛ اینکه پیامبر<sup>(ص)</sup> قسمتی از وقت خود را برای آموزش زنان اختصاص می‌دادند و برخی زنان سواد قرائت قرآن داشتند. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/ ۴۰۸). در منابع ذکر شده که ایشان از حضرت علی<sup>(ع)</sup> نیز می‌خواستند تا به زنان قرآن تعلیم دهند. نمونه آن زنان «رائطه بنت حیان» است که گفته شده در زمان حیات پیامبر<sup>(ص)</sup> از محضر حضرت علی<sup>(ع)</sup> بخشی از قرآن را فرا گرفته است. (همان: ۱۰۶) شاید بتوان گفت سکوت برخی منابع در بهره‌مندی زنان صدر اسلام از علوم در برخی موارد مبنی بر این است که در جامعه عصر نبوی؛ شیوه رایج انتقال مفاهیم علمی و اسلامی به صورت شفاهی بود. و به ثبت مطالب به صورت مکتوب اهمیت کمتری داده می‌شد. چنانچه قبل از بعثت نیز تعداد بسیار معدودی از افراد شبه جزیره دارای سواد خواندن و نوشتن بودند. (ابراهیم حسن، ۱۳۸۰: ۵۹) این نوع از فرهنگ شفاهی تا بعد از زمان رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز به





قوت خود باقی بود چنانچه بسیاری از اصحاب از زمان پیامبر<sup>(ص)</sup> قرآن را حفظ می‌کردند و از طریق سماعی به حافظه می‌سپردند.

یکی از افتخارات عرب مقارن ظهور اسلام طبع شعری در مقابل علم آموزی بود. (همان: ۶۱) این جزء جدایی ناپذیر عرب در فصاحت و بلاغت با شروع دعوت اسلام دچار تحول عظیمی شد که دیگر عرب مسلمان نه برای شتر و شمشیر یا برتری‌های قبیله‌ای شعر می‌سرود؛ بلکه جنبه الهی و دینی بر موضوع اکثر شاعران احاطه یافت. ابن اثیر ۹ نفر از زنان صحابه را با عنوان شاعر و مرثیه سرا معرفی می‌کند؛ آنچه از اشعار یا مرثیه آنان در منابع در دست است می‌شود نتیجه گرفت بجز موارد اندک نظیر شعر «رقیقه بنت صیفی» که موضوعش مدح نعمت خداوند است. (ابن اثیر، ۱۴۰۹: ۶/۱۱۳) عموماً اشعار زنان وقتی ثبت می‌شده که در میداین جنگ و تشویق سپاهیان، همچنین بعد از قتل فردی در رثای قتل یا خوشحالی از قتل وی سروده می‌شد. معروف‌ترین زنان شاعر عبارت بودند از:

- امامة المزیديه: شعری از او برجای مانده و آن را زمانی سرود که یکی از سرکردگان منافقین به هلاک رسید، ابن اثیر این شعر را از ابن هشام نقل می‌کند:

«تکذب دین الله والمرء احمداً لعمر الذی امناک ان بئس ما یمنی» (همان: ۲۳)

- تماضر بنت عمرو: نام دیگرش الخنساء الشاعرة است که به خنساء مشهورتر است.

وی بعد از رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز زنده ماند و در جنگ قادسیه نیز حضور داشت.

(همان: ۹۰) نمونه‌ای از مرثیه وی در سوگ برادرش:

«اعینی جودا ولا تحمدا الا تبکیان لصخر الندی

الا تبکیان الجری الجمیل؟ الا تبکیان الفتی السیدا؟

اشم ابلج یاتم الهداء به کانه علم فی راسه نار

و ان صخر المولاناوسیدنا وان صخر اذا نشتو لنحار» (همان: ۸۹)

- میمونه بنت عبدالله: شعری از او در جواب کعب بن الاشرف، در علت گریه بر کشته شدگان در جنگ بدرکه با این بیت آغاز می‌شود: «بکت عین من یبکی لبدر و اهله وعلت بمثلیه لوی بن غالب» (همان: ۲۷۶)

- نعم امرأة شماس: اشعار وی نیز در رثای مرگ همسرش شماس است که در جنگ احد کشته شد:

«یا عین جودی بدیع غیر ابساس علی کریم من الفتیان لباس

صعب البدیئه میمون نقیبه حمال الویه رکاب افراس

اقول لما آتی الناعی له جزعا أودی الجواد وأودی المطعم الکاسی

وقلت لما خلت منه مجالسه لا یبعد الله منا قرب شماس» (همان: ۲۸۳)

- عاتکه بنت زید: عاتکه جزء مهاجران به مدینه بوده و همسر عبدالله بن ابی بکر بوده است. بعد از شهادت عبدالله با زید بن حارثه و بعد از زید با عمر بن خطاب ازدواج می‌کند. مرثیه ای که از وی به جای مانده بعد از شهادت عبدالله در جنگ طائف است:

«فآلیت لا تنفک عینی حزینة علیک، و لا ینفک جلدی أغبرا

فلله عینا من رأی مثله فتی أکرّ و أحمی فی الهیاج و أصبرا

إذا شرعت فیہ الأسنّة خاضها إلى الموت حتی یترک الرّمح أحمرًا» (همان: ۱۸۴)

- ام هانی بنت ابی طالب: او خواهر حضرت علی (ع) بود. سال فتح مکه ایمان آورد و در اسمش اختلاف است اشعار وی که بیشتر از بیت ذیل است در سال فتح و زمان ایمان آوردن به رسول خدا (ص) بوده است:

«فإن كنت قد تابعت دین محمد و قطعت الأرحام منک حبالها

فکونی علی أعلى سحیق بهضبة مملمة غبراء یبس بلالها» (همان: ۴۰۵)





ابن اثیر با توجه به تعریفی که از کلمه صحابه دارد و ذکر آن گذشت «هند دختر عتبه» همسر ابوسفیان و قتیله دختر نضر بن حارث (مشرك معروف) را در شمار زنان صحابه دانسته و اشعار آنان را نقل کرده است

- **قتیله بنت نضر:** وی در مرگ پدرش که در جنگ بدر به دست مسلمانان کشته شد مرثیه خواند:

أبلغ بها ميتا بأن تحيئه      ما إن تزال بها النجائب تعنق  
مئى إليه و عبرة مسفوحه      جادت لماتحها و أخرى تخنق  
ظلت سيوف بني أبيه تنوشه      لله أرحام هناك تشقق

قسرا يقاد إلى المنية متعبا      رسف المقيد، و هو عان موثق (همان: ۲۴۲)

- **هند بنت عتبه:** وی در تاریخ به عنوان هند جگر خوار معروف است که جگر حضرت حمزه<sup>(ع)</sup> را در جنگ احد درید. او در دو جنگ احد و بدر همراه مشرکان حضور داشت و بعد از فتح مکه مسلمان شد. در جنگ احد برای تشویق مشرکان به جنگ ابیاتی را می‌سرود:

نحن بنات طارق      نمشی علی النمارق

إن تقبلوا نعائق      أو تدبروا نفاق      فراق غیر وامق (همان: ۲۹۳)

همچنین از دیگر اشعار وی در جنگ احد:

نحن جزيناكم بيوم بدر      و الحرب بعد الحرب ذات سعر

ما كان عن عتبه لي من صبر      أبي و عمي و شقيق بكرى

شفيت نفسى و قضيت ندرى      شفيت وحشى غليل صدرى (همان: ۲۸۹)

- **هند بنت اثانه:** زنی که از سوی سپاهیان اسلام، ضمن اشعاری پاسخ هند بنت عتبه را در جنگ احد می‌دهد:

خزيت في بدر و غير بدر      يا بنت وقاع عظيم الكفر



صَبَّحَكَ اللهُ غَدَاةَ الْفَجْرِ      بِالْهَاءِ شَمِيَّينَ الطَّوَالَ الزَّهْر

بِكُلِّ قِطَاعٍ حَسَامٍ يَفْرَى      حَمْزَةً لَيْثِي، وَ عَلِيَّ صَقْرِي (همان: ۲۸۹)

بنابراین اسدالغابه در بخش زنان صحابه دارای استشهادات شعری زنان شاعر و مرثیه سرا می‌باشد و آنچه گذشت اطلاعاتی است که این منبع صحابه نگاری از زنان سخن ور و مرثیه سرا بدست می‌دهد.

تقسیم بندی کتاب النساء بر اساس تعداد و نقش زنان صحابه به صورت دو جدول و نمودار مجزا مشخص شده است. به علت اینکه محوریت شمارش زنان صحابه با در نظر گرفتن نقش آنان در جامعه بود نه شخص صحابه، این امکان وجود دارد که یک زن صحابه هم راوی حدیث باشد و هم جزء انصار و در هر دو جدول نامش لحاظ شود.

#### نقش دینی و سیاسی زنان از منظر کتاب اسد الغابه

عنوان	تعداد (نفر)
۱ زنان صحابه مهاجر به حبشه	۱۸
۲ زنان صحابه مهاجر به مدینه	۵۱
۳ زنان صحابه انصار	۲۳۰
۴ زنان صحابه که در جنگ‌های مختلف حضور داشتند	۱۹
۵ زنان صحابه شهید	۱



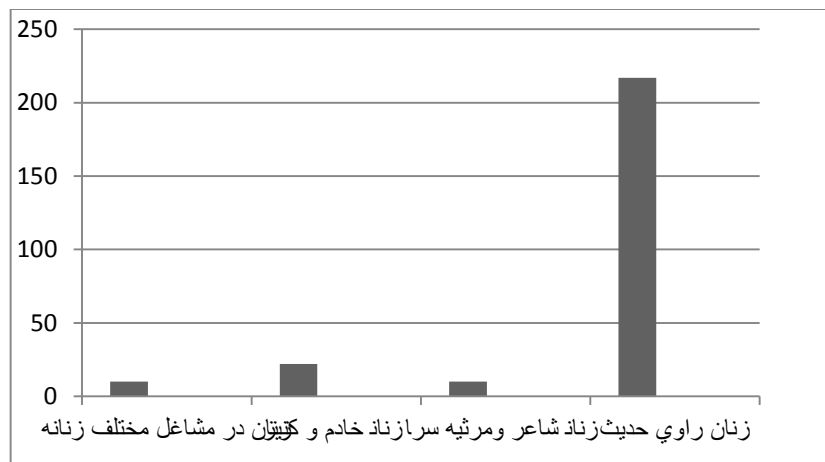


نمودار حضور دینی و سیاسی زنان در کتاب اسد الغابه

نقش اجتماعی زنان از منظر کتاب اسد الغابه:

عنوان	تعداد (نفر)
۱ زنان صحابه راوی حدیث	۲۱۷
۲ زنان صحابه در مشاغل مختلف (عطر فروش، آرایشگر، قابله، پرستار و...)	۱۰
۳ زنان صحابه خادم و کنیز	۲۲
۴ زنان صحابه غیر عرب (ایرانی، رومی و...)	۳
۵ زنان صحابه شاعر و مرثیه سرا	۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



نمودار حضور اجتماعی زنان در کتاب اسدالغابه

### نتیجه گیری

- منابع صحابه نگاری بخصوص منبع مورد نظر تا چه اندازه در بازتاب و معرفی نقش زنان عصر نبوی موفق بوده است، موضوعی که عوامل مختلفی بر آن تاثیرگذار است. از جمله اینکه بعد از رحلت پیامبر (ص) نگاه حکومت و جامعه اسلامی به حضور زن، نه تنها مطابق با نظر قرآن و سنت نبود بلکه یکی از علل بازتولید نگاه جاهلی به قشر زنان بود. ابن اثیر جریزی نیز بعد از هفت قرن گذر از حیات پیامبر (ص) اطلاعاتی حاصل از کتب و منابع پیش از خود هرچند همراه با نگاهی نقادانه ارائه می دهد؛ اما در مجموع او نیز در برخی نقل‌ها و روایت‌ها ناگزیر از نقل صرف است و هرآنچه را شنیده نقل می کند و در پایان کلامش جمله «الله اعلم» را می آورد و نیز در برخی موارد تایید صحت سخن خود را به راویان قبل از خود واگذار می کند.
- نقش سیاسی - دینی و اجتماعی زنان صحابه طبق این جستار شامل مهاجرت به حبشه و مدینه، شرکت در تدارکات جنگ‌ها، بیعت با پیامبر (ص) و همراهی ایشان در مراسم حج و نمازهای جماعت و... می باشد. همچنین شرکت زنان



در مشاغل مخصوص زنان در این منبع نظیر قابلیت و آرایشگری و... اشاره شده است.

- وجود زنان مرثیه سرا، شاعر و نیز راوی حدیث در این منبع نشان از حضور فعال و تأثیرگذار آنان در اجتماع دارد اکثر راویان حدیث زنی که در این منبع نام برده شده اند؛ نسبت نزدیکی با شخص پیامبر (ص) یا همسران پیامبر (ص) داشتند و آنانی که جزء اقوام و قوم و خویش پیامبر (ص) نبودند؛ عموماً کسانی بودند که برایشان سوالی پیش می‌آمد و از پیامبر (ص) می‌پرسیدند.
- بنا بر نقل معروف ابن اثیر ۷۷۰۳ زندگینامه از صحابه مرد و زن پیامبر اسلام در این کتاب، بیان کرده است که ۱۰۲۲ زندگی نامه از زنان صحابه است. اما طبق آنچه بررسی شد نام برخی از زنان صحابه با القاب در بخش الکنی من النساء الصحابیات نقل شده است که در واقع تکرار همان شخصیت است منتهی با ذکر کنیه، که در این صورت تعداد واقعی زنان صحابه کمتر از مقدار مذکور و در حدود ۹۸۸ نفر خواهد شد.
- اسد الغابه فی معرفه الصحابه نمودار حضور زنان صحابه در اجتماع است. این منبع ارزشمند حضور بانوان عصر نبوی در عرصه اجتماع را تأیید می‌نماید. از قرن دوم و به خصوص قرن سوم به بعد افرادی مانند ابن سعد و ابن عبدالبر به زندگی زنان صحابه پرداختند اما شاخصه کتاب ابن اثیر جمع آوری همه مطالب گفته شده توسط صحابه نگاران در مورد زنان صحابه در اثر خود بود.

## منابع

### قرآن کریم

آئینه‌وند، صادق (۱۳۷۷). علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «زنان در سده های نخستین اسلامی»، فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۳، ص ۲۶-۵.

ابراهیم حسن، حسن (۱۳۸۰). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات علمی، چ ۳.

ابن اثیر، عز الدین علی (۱۴۰۹ق). أسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الفکر .  
ابن اثیر، عز الدین علی (۱۳۷۱). الكامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعات علمی.

ابن عبد البر، یوسف بن عبد الله بن محمد (۱۴۱۲). الاستیعاب فی معرفة الأصحاب، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل.

بیهقی، ابو بکر احمد بن حسین (۱۳۶۱). دلائل النبوة، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: علمی و فرهنگی.

تاجبخش، احمد (۱۳۷۶). تاریخ و تاریخ نگاری، شیراز: انتشارات نوید.

جعفرنیا، فاطمه، صادق آئینه‌وند و لیلا هوشنگی (۱۳۸۹). «تاثیر باورهای یهودی در باز تولید نگاه جاهلی به حیات اجتماعی زن در جامعه اسلامی»، فصلنامه مطالعات

تاریخ فرهنگی، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، س ۲، ش ۵، صص ۸۸-۶۵.

جلالی کندری، سهیلا (۱۳۸۲). «حضور نظامی زنان در صدر اسلام»، فصلنامه علوم

انسانی دانشگاه الزهراء (س)، س ۱۳، ش ۴۷-۴۸، صص ۱۲۴-۱۰۰.





خضری، احمد رضا و ستاره کرامتی (۱۳۸۴). «مقایسه و بررسی تطبیقی، روش تاریخ نگاری طبری و ابن اثیر»، فصلنامه فقه تاریخ تمدن، دانشکده الهیات دانشگاه آزاد مشهد، صص ۹۰-۷۶.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم. رضازاده لنگرودی، رضا (۱۳۶۸). مدخل ابن اثیر، دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۲، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، صص ۷۰۳-۷۰۲.

روزنتال، فرانتس (۱۳۶۸). تاریخ تاریخ نگاری در اسلام، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.

زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران: سمت.

سجادی، سید صادق و هادی عالم زاده (۱۳۹۱). تاریخ نگاری در اسلام، تهران: سمت.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیرالمیزان، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵.

صادقی اردستانی، احمد (بی تا). زنان دانشمند و راوی حدیث، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.

طلیعات، عبدالقادر احمد (۱۹۹۶م). «ابن اثیر جزئی المورخ»، اعلام العرب، عدد ۸۳، صص ۱۸۳-۱.

عسگری، مرتضی (۱۳۶۷). یکصد و پنجاه صحابه ساختگی، مترجم عطاءمحمد سردارنیا، تهران: اتحاد، چ ۲.

- محمدی، ابراهیم (۱۳۹۰). «مقایسه روش تاریخ نگاری طبری و ابن اثیر بر پایه گزارش بیعت حضرت علی(ع) با ابوبکر»، مسکویه، س ۵، ش ۱۵، ص ۱۲۹-۱۱۴.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹). نظام حقوق زن در اسلام، قم: انتشارات صدرا، چ ۱۴.
- مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۸۶). علم الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲۰.
- مفید محمدبن محمد (۱۳۸۳). الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نشر نی.
- مسعودی، علی بن الحسین (۱۳۶۲). اثبات الوصیه، مترجم: محمد جواد نجفی، تهران: اسلامی، چ ۲.
- مهریزی، مهدی (بی تا). سهم زنان در نشر حدیث، اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- واعظی، محمد جواد و محمدرضا جباری (۱۳۸۹). «نگاه تاریخی به وضعیت زن در اسلام»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، س ۷، ش ۲، صص ۱۶۴-۱۴۳.
- واعظی، محمد جواد (۱۳۸۸). «وضعیت زن در جاهلیت»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، س ۶، ش ۴، صص ۱۵۹-۱۳۵.
- هدایت پناه، محمدرضا (۱۳۸۳). «درآمدی بر شناخت شکل گیری و تطور صحابه نگاری (۱)»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، ش ۴، صص ۲۳۶-۱۹۷.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۴). «درآمدی بر شناخت شکل گیری و تطور صحابه نگاری (۲)»، فصلنامه تاریخ در آینه پژوهش، ش ۵، صص ۲۵۰-۲۲۵.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب ابن واضح (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۲، تهران: علمی و فرهنگی، چ ۶.

